

واکاوی امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی

وحیده توحیدخواه^۱

زهرا قرقی^۲

ثریا رازقی^۳

چکیده

امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی است. واژه امنیت از دیرباز همراه و ملازم فعالیت‌های نظامی بوده است؛ لذا امنیت نظامی بنیادی‌ترین بُعد امنیت ملی قلمداد می‌شود. امروزه نیز با وجود گسترش ابعاد امنیتی و ایجاد ملاحظات جدید، امنیت نظامی اهمیت و اولویت خود را در حکومت‌ها حفظ کرده است.

هدف این پژوهش، واکاوی امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی است؛ به همین منظور مقاله حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای، روش توصیفی - تحلیلی و واکاوی مضمون ابیات شاهنامه، عوامل مؤثر بر امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی را بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که فردوسی در این اثر بی‌بدیل با محتوای غنی، چندسویه و فرازمانی به گونه‌ای چشم‌انداز امنیتی جامعه خود را در ابعاد گوناگون به ویژه نظامی بازگو کرده است که در دوره‌های مختلف نیز می‌توان به فراخور استعداد و بینش خود به رمزگشایی مفاهیم نهفته در آن پرداخت و متناسب با زمانه از آن بهره برد. بر اساس تفکر قدیمی در مورد امنیت و وقوع درگیری‌های نظامی بسیار، جنگ مهم‌ترین و دیرینه‌ترین تهدید علیه امنیت فرد و جامعه بوده است؛ لذا در حکومت‌های شاهنامه، امنیت نظامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. فردوسی به پنج عامل مؤثر در امنیت نظامی اشاره می‌کند که شامل بنیه دفاعی مستحکم، نیروی انسانی کارآمد، اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی، تخصیص بودجه نظامی مناسب و سیاست‌های صلح محور می‌شود. از این رو شاهان

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. عضو هیئت علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دادگر و پهلوانان خردمند شاهنامه با شگردهای گوناگون و فراهم کردن زمینه مناسب برای تحقق و تداوم امنیت نظامی کشور می کوشیدند. واژگان کلیدی: امنیت، امنیت نظامی، شاهنامه، فردوسی، تهدید.

مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، مطالعات امنیتی در سطح جهان پیوسته در حال گسترش است. در ایران نیز حدود دو دهه است که به این رشته مطالعاتی توجه جدی تری می شود. دلیل اقبال جهانی به موضوع امنیت، از یک سو جنگ های بزرگ و کوچک و استبداد و استعمار حاکم بر کشورها است که انقلاب ها، جنبش ها و حتی تحریم های فراوانی را برای جوامع بشری به دنبال داشته و از سوی دیگر رابطه متقابل توسعه و امنیت است؛ زیرا آبادانی کشور مستلزم وجود امنیت در کشور است و در مقابل توسعه یافتگی، کشور را در مواجهه با چالش های امنیتی، تواناتر می سازد. از این رو امنیت نظامی پیشینه طولانی تری در مطالعات امنیتی کشورها داشته و همواره مورد توجه تحلیلگران امنیت و دولتمردان بوده است.

ادبیات برترین جلوه حیات فکری و فرهنگی ملت ها در طول تاریخ است و چون آینه ای، ذهنیت یک ملت را در زمینه ها و اعصار گوناگون منعکس می کند؛ لذا ژرف نگری در شاهکارهای ادبی می تواند راهگشای زندگی بشر باشد. بخش عظیمی از شاهنامه فردوسی که به شرح زندگی فرمانروایان ایران در روزگاران قدیم پرداخته، روایت نبردهای ایرانیان با تورانیان، تازیان و بیگانگانی است که همواره چشم طمع به سرزمین ایران داشته اند و با ایجاد ناامنی و تهدید، امنیت ملی را به خطر انداخته اند؛ به همین دلیل در آغاز شاهنامه و پس از تشکیل جوامع انسانی در دوره جمشید با طرح ریزی طبقات اجتماعی، سپاهی گری که از مهم ترین مشاغل به شمار می رفت به گروهی از جامعه واگذار گردید.

صفی بر دگر دست بنشانند
کجا شیرمردان جنگ آورند
همی نام نیساریان خوانند
فروزنده لشکر و کشورند
کزیشان بود تخت شاهی به جای
وزیشان بود نام مردی به پای
(ج ۱، ۴۰)

یکی از اصلی ترین بن مایه های فکری شاهنامه، تقابل همیشگی خیر و شر است که به صورت تکرارشونده در داستان های مختلف بیان شده و تأثیر شیوه حکمرانی حاکمان مختلف ایران در برقراری امنیت جامعه و کشور را به نمایش گذاشته است؛ بنابراین از طریق بررسی امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی می توان به بنیان های فکری ایرانیان باستان در شیوه تحقق و تداوم امنیت ملی پی برد؛ همچنین از تفکرات و شگردهای آنان در جهت ایجاد امنیت پایدار در جهان امروز الگو گرفت.

بیان مسئله

امنیت یکی از ضروری ترین نیازهای بشر است که تاریخی به درازای سکونت بشر بر روی کره خاکی دارد. این مسئله از مهم ترین نیازهای شکل گیری و بقای یک تمدن است؛ لذا حکومت ها به ایجاد و تقویت نیروهای نظامی و تسلیحات مورد نیاز آن ها پرداختند تا با بهره گیری از قدرت و امنیت نظامی، آرامش و امنیت ملی را در جامعه برقرار نمایند؛ از این رو «امنیت نظامی ناظر بر توانایی نیروهای مسلح برای حفاظت از ملت، دولت و ارزش های اساسی و حیاتی آن ها در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است. با توجه به اینکه در تاریخ بشر تجارب زیادی در زمینه تهدید امنیت از طریق تهاجم نظامی وجود دارد و متقابلاً از طریق نیروهای نظامی، امر دفاع یا امنیت فراهم شده است، بنابراین بعد نظامی امنیت در گذشته برجسته بوده است.» (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹)

ضرورت امنیت نظامی از آن جهت است که پس از پایان جنگ سرد با وجود توسیع ابعاد امنیتی، موضوع امنیت نظامی و فعالیت های مرتبط با آن، اولویت خود را در حکومت ها حفظ کرده است؛ زیرا نظامی گری معیار نهایی سنجش میزان امنیت ملی بوده و به تبع آن تهدید نظامی هم اصلی ترین تهدید برای اجزای دولت و دستاوردهای آن محسوب شده است. «در جهانی که میزان تهدیدات پیوسته روبه افزایش است، هرچند محوریت نیروی نظامی مورد پرسش واقع شد و کوشیدند برای حل اختلافات با جایگزین کردن ابزارهای

حقوقی، قانونی، دیپلماتیک و... نیروهای نظامی را در معادلات امنیتی به حاشیه برانند، اما به هیچ وجه از شأن ابزاری نیروی نظامی کاسته نشده است.» (افتخاری، ۱۳۹۵: ۲۷۸)

حاکمان پیشین هم تحقق امنیت ملی را وابسته به ساختار جنگ و قدرت می دانستند؛ زیرا جنگ تهدیدکننده همه اجزای دولت اعم از حاکمیت، سرزمین، نهاد دولت و دستاوردهای صنعتی، اقتصادی و تمدن جامعه بود. در مقابل تنها قدرت نظامی و سخت افزاری می توانست امنیت ملی را تضمین کند؛ لذا به طور طبیعی امنیت در حوزه نظامی تعریف می شد و حفظ امنیت ملی، وابسته به امنیت نظامی کشور بود.

به دلیل نقش مهم امنیت در دوره های مختلف تاریخی، این موضوع آگاهانه یا ناخودآگاه به متون ادبی نیز راه یافته است. شاهنامه فردوسی یکی از برجسته ترین مفاخر ملی ایرانیان و به منزله سرچشمه جویبار فرهنگ ایران است که بیش از هر کتاب دیگر روح قوم ایرانی را در خود منعکس کرده است. در شاهنامه، ایرانیان آزاده برای دفاع و رفع تجاوز دشمنان از خاک ایران زمین و گسترش عدالت پای به میدان جنگ نهاده اند؛ از این رو فردوسی در شاهنامه ملتی را به تصویر می کشد که خواهان استقلال کشور و ایستادگی در برابر بیدادگر است.

دل و پشت بیدادگر بشکنید همه بیخ و شاخش ز بن برکنید (ج ۶، ۴۰۶)

درواقع اگرچه تمام بخش های شاهنامه با جنگ عجین شده، اما این جنگ پایان ناپذیر برای مقابله با بیداد و دروغ است و آنچه در معرض تهدید قرار گرفته، داد و نیکی است؛ بنابراین «در ایران شاهنامه اگر جنگ هست، منشأ آن بیداد دشمنی است نه بیگانه دشمنی.» (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

هدف اصلی پژوهش نظری حاضر این است که مؤلفه های مؤثر در ایجاد امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی استخراج گردد و به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

۱- مبحث امنیت نظامی در شاهنامه ی فردوسی چه جایگاهی دارد؟

۲- مؤلفه های اثرگذار بر امنیت نظامی در شاهنامه ی فردوسی چیست؟

به نظر می‌رسد مسئله امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی از جایگاهی والا برخوردار است؛ زیرا فردوسی با بیان حماسی تاریخ ایران از زمان کیومرث - نخستین پادشاه - تا شکست ایرانیان از اعراب مسلمان، سعی دارد عوامل مختلفی را ذکر کند که منجر به ایجاد و تداوم امنیت نظامی در ایران شده است؛ بدین ترتیب شاید بتوان در شاهنامه فردوسی مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت نظامی را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد:

بنیه دفاعی مستحکم، نیروی انسانی کارآمد، اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی، تخصیص بودجه نظامی مناسب، سیاست‌های صلح محور.

امروزه مطالعات بیشتر، رویکردها و راهبردهای جدیدی را برای امنیت نظامی ترسیم کرده است؛ ولی واضح است که مطالعات امنیت و نظریه پردازی در این مقوله به شدت با زمینه‌های ارزشی و بومی کشورها و جوامع مختلف آمیخته است و رویکردها و راهبردهای امنیتی تنها در سطح یافته‌های سخت‌افزاری، قابل بهره‌برداری از ملل مختلف می‌باشد؛ از این رو با انجام مطالعات امنیتی در آثار کهن ایرانی می‌توان به بازشناسی و نوسازی نظریات در ابعاد مختلف امنیتی متناسب با شرایط و اقتضائات ارزشی جامعه خود پرداخت و راهکارهای جدیدی برای تقویت امنیت نظامی ارائه کرد.

روش پژوهش

این پژوهش نظری با رویکرد توصیفی - تحلیلی به واکاوی امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی می‌پردازد. روش طبقه‌بندی داده‌ها، کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. منظور از کیفی، هر نوع پژوهشی است که یافته‌های تولیدشده با کمک عملیات آماری و شمارشی به دست نیامده باشد (ر.ک: استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۲۶). تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان مضامین موجود درون داده‌ها است و در استخراج داده از متون و محتوا کاربرد دارد. ویژگی مهم این روش انعطاف‌پذیری است؛ لذا پژوهشگر تعیین‌کننده اولویت مطالب است و مهارت، ابتکار و اطلاعات وی نقش مهمی در این روش دارد.

منبع اصلی این پژوهش متن شاهنامه فردوسی است که پس از مطالعه و تحلیل بر مبنای اطلاعات تخصصی محقق و مفهوم برداشت شده در قالب مضامین مختلف قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه پژوهش‌های فراوانی درباره شاهنامه فردوسی از جنبه‌های مختلف انجام شده، ولی کمتر به موضوع مورد نظر در این پژوهش یعنی: امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی پرداخته شده است؛ به طور مثال عبدالحمید افراخته در مقاله «مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی» بر مبنای نظریه دو فطرت امام خمینی، در پاسخ به چیستی مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی معتقد است که فردوسی با اقتباس از شریعت به سه مرجع دین، کشور و شهریار خوب اشاره می‌کند. علی اصغر نصیری در مقاله «وجه امنیتی متعالیه و متدانیه شاهنامه فردوسی» نظریه‌های امنیتی را در بستر دو پارادایم امنیت متعالیه و امنیت متدانیه بررسی کرده است. محمدصادق کرم‌زاده دیزجی در کتاب «امنیت در شاهنامه» به گفتگوهای مجازی با پادشاهان شاهنامه پرداخته است تا نگرش‌های امنیتی هر یک از آن‌ها را تبیین کند. منوچهر دانش‌پژوهان در مقاله «رابطه فرهنگ سیاسی و امنیت در شاهنامه» با محوریت دیدگاه «آلموند و وربا» فرهنگ سیاسی حاکم بر شاهنامه را بیان کرده است.

بدین ترتیب درمی‌یابیم در پژوهش‌هایی که تاکنون درباره امنیت و شاهنامه صورت گرفته، غالباً این موضوع را زیرشاخه‌ای از مبحث سیاست دانسته‌اند و به طور مستقل، علمی و نظام‌مند، امنیت نظامی موجود در شاهنامه فردوسی بررسی نشده است؛ لذا این پژوهش با استناد به ابیات موجود در شاهنامه به بررسی اندیشه‌های فردوسی در زمینه امنیت نظامی و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن می‌پردازد که در نوع خود خلاق و نوآورانه است.

مبانی نظری پژوهش

امنیت: امنیت در معنای واژگانی «بی‌خوفی، امن، بی‌بیمی، ایمنی و در امان بودن» (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۱۱) است؛ ولی در واقع مفهومی به شدت ذهنی، نسبی و برساخته اجتماعی می‌باشد. امنیت به معنای نبود تهدید و ترس علیه ارزش‌های جامعه و نظام است؛ به عبارت دیگر امنیت یعنی: «توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و تمامیت آن‌ها» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳). در علوم سیاسی امنیت به حالتی دلالت می‌کند

که هر ملت فارغ از تهدید ازدست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر می برد.

باوجود چندوجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف گوناگون بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» تأکید دارند که دربرگیرنده امنیت مادی و روانی است. احساس ایمنی و آزادی از ترس، اغلب شامل قرارگرفتن در معرض کمترین تغییر است. به طور کلی چنانچه تغییر تدریجی و تکاملی باشد و از داخل ناشی شود و به طور مستقیم متوجه بقا و روش های بنیادی زندگی نباشد، تهدیدآمیز نیست؛ ولی اگر تغییر به صورت گسترده، سریع و شدید باشد و از خارج نشئت گیرد به احتمال زیاد تهدیدآمیز به نظر می رسد و موجب هراس و ناامنی می شود (ر.ک: ماندل، ۱۳۸۷: ۳۹).

تهدید: تهدید در لغت به معنای «بیم، ترس، وعید کردن، ترسانیدن» است (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۱۱) و در اصطلاح «تهدید امنیت ملی، اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی، خطر افت کیفیت زندگی را برای ساکنان یک کشور پیش می آورد یا با خطر جدی کاهش طیف خط مشی هایی که حکومت یک کشور یا واحدهای غیرحکومتی خصوصی موجود در داخل کشور می توانند از میان آن ها دست به انتخاب بزنند، همراه باشد». (تریف و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۱).

امروزه اندیشمندان امنیت را به نبود تهدید تعریف نمی کنند و وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته های ملی نیز مدنظر است. براین اساس رابرت ماندل می گوید: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است» (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۲۵) و ناتوانی جامعه برای دستیابی به منافع ملی علی رغم نبود تهدید خارجی یا داخلی باز هم تهدید محسوب می گردد.

امنیت نظامی: بر اساس تفکر قدیمی در مورد امنیت و وقوع درگیری های نظامی فراوان، واژه امنیت همیشه همراه و ملازم فعالیت های نظامی بوده است تا جایی که والتر لیپمن در تعریف امنیت می گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش های انسانی خود را حفظ کرده و در صورت اقدام به جنگ آن را پیش ببرد»؛ (مرادیان، ۱۴۰۱: ۴) بدین ترتیب از نظر تاریخی، جنگ مهم ترین و دیرینه ترین تهدید علیه امنیت فرد و جامعه بوده و به تبع آن امنیت نظامی، بنیادی ترین بعد امنیت

ملی قلمداد می‌شده است. به عقیده رابرت ماندل امنیت نظامی عبارت است از: «میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدات قهرآمیز» (ماندل، ۱۳۸۷: ۶۷).

یافته‌های پژوهش

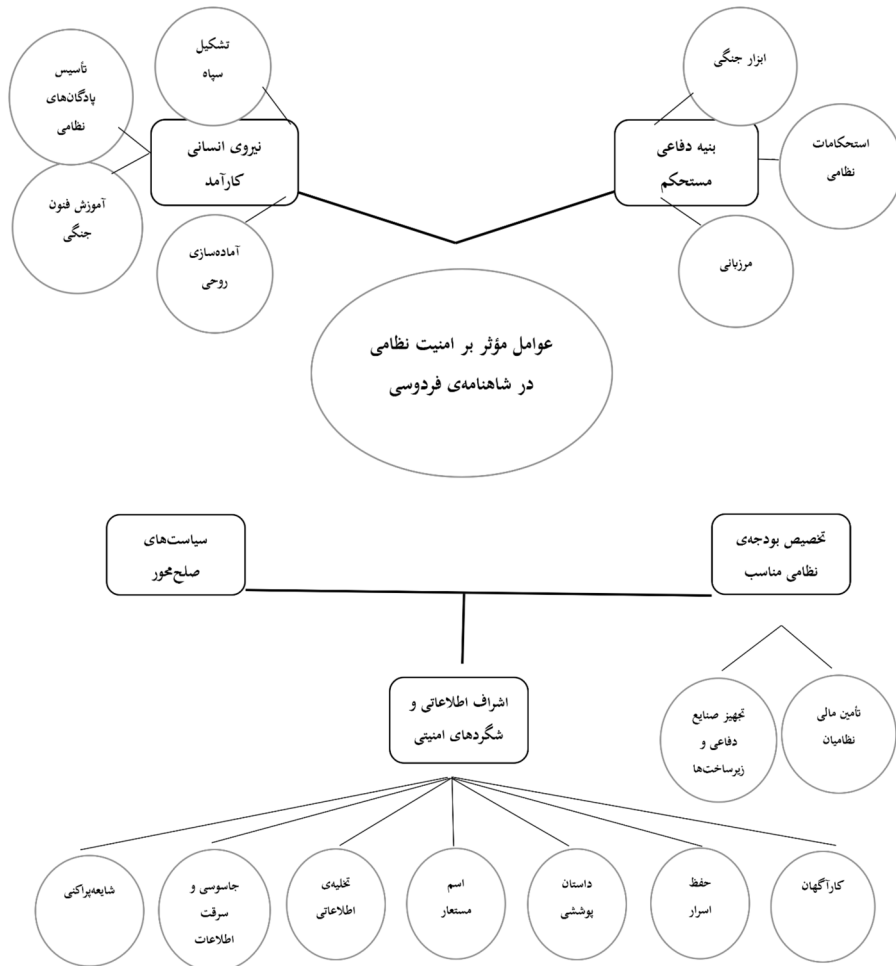
یکی از نیازهای اساسی بشر، قدرت دفاع و حفظ امنیت در برابر خطرهای و تهدیدهایی است که حیات انسان یا جامعه انسانی را هدف قرار می‌دهد؛ بر این مبنا آمادگی مستمر نظامی از بروز ناامنی نظامی و تجاوز دشمنان به حریم مادی و معنوی کشور جلوگیری می‌کند که پیامد آن افزایش امنیت نظامی و ملی است.

فردوسی با بیان سرگذشت پادشاهان و شیوه حکمرانی آن‌ها عوامل مؤثر بر امنیت نظامی را بیان می‌کند. وی در بخش‌های مختلف شاهنامه نقش امنیت نظامی را در حفظ استقلال و یکپارچگی کشور و جلوگیری از طمع دشمنان و بیگانگان برجسته می‌نماید. در این پژوهش با بررسی شاهنامه فردوسی، عوامل مؤثر بر امنیت نظامی در پنج گروه جای می‌گیرند: بنیه دفاعی مستحکم، نیروی انسانی کارآمد، اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی، تخصیص بودجه نظامی مناسب، سیاست‌های صلح‌محور.

جدول شماره ۱

عوامل مؤثر بر امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی			
بنیه دفاعی مستحکم	نیروی انسانی کارآمد	اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی	تخصیص بودجه نظامی مناسب

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت نظامی در شاهنامه فردوسی می‌پردازد. برای دستیابی به این مؤلفه‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، ابتدا ابیات مرتبط با موضوع تحقیق شناسایی و انتخاب شدند، سپس متناسب با محتوای برداشت شده، دسته‌بندی ابیات صورت گرفت. در مرحله بعد تم‌ها و دسته‌بندی‌های انجام شده در شبکه مضامین با یکدیگر پیوند خوردند. بدین ترتیب مطابق محتوای برداشت شده از مضامین، یک تم مرکزی و پنج تم اصلی همراه با تم‌های فرعی به دست آمد و ساختار این پژوهش را تشکیل داد.



شبکه مضامین پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پنج مؤلفه بنیه دفاعی مستحکم، نیروی انسانی کارآمد، اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی، تخصیص بودجه نظامی مناسب و سیاست‌های صلح‌محور بستر مناسبی را برای تحقق و تقویت امنیت نظامی فراهم می‌کنند. در ادامه با تبیین و تحلیل تم‌های اصلی و فرعی به واکاوی موضوع محوری پژوهش پرداخته می‌شود.

۱- بنیه‌ی دفاعی مستحکم

امنیت نظامی عنصر مهمی در امنیت ملی به حساب می‌آید؛ براین اساس در هر عصری حکومت‌ها با صرف بودجه‌های هنگفت به ساخت و آموزش سلاح‌های پیشرفته نظامی برای تقویت قدرت رزمی و ایجاد هراس در سپاه دشمن روی می‌آورند. کیفیت زیرساخت‌های نظامی هم بر کیفیت توانمندی نظامی تأثیرگذار است؛ از این رو گسترش صنایع دفاعی و تحکیم زیرساخت‌های نظامی به پشتیبانی حکومت نیاز دارد.

۱-۱- ابزار جنگی: قدرت تسلیحاتی و تجهیزات پیشرفته‌ی نظامی عامل بازدارنده‌ی مهمی در برابر تهدیدات امنیتی مختلف به شمار می‌رود؛ لذا فرمانروایان خردمند شاهنامه می‌کوشند با تقویت بنیه‌ی دفاعی در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی مقاومت نمایند. از همان آغاز دوره‌ی اساطیری در عصر هوشنگ پس از کشف آتش و استخراج آهن از سنگ، ابزار مختلفی مانند تبر، اژه و تیشه ساخته شد که در جنگ‌ها به عنوان سلاح به کار می‌رفت؛ جمشید هم با ابتکار عمل در تولید جنگ‌افزارها و تجهیزات نظامی و ذخیره‌ی سلاح‌ها توانست امنیت نظامی کشور را تأمین نماید.

نخست آلت جنگ را دست برد	در نام جستن به گردان سپرد
به فرّ کیی نرم کرد آهنا	چو خود وزه کرد و چون جوشنا
چو خفتان و تیغ و چو برگستوان	همه کرد پیدا به روشن روان...
دگر پنجه اندیشه جامه کرد	که پوشند هنگام ننگ و نبرد

(ج ۱، ۳۹)

شاهنامه نبرد ملتی است که برای حفظ استقلال و آزادگی خود با مهاجمان مبارزه می‌کردند. بدون تردید داشتن وسایل و تجهیزات جنگی پیشرفته باعث برتری نظامی در جنگ‌ها می‌شد؛ مثلاً داشتن منجیق باعث توانمندی نیروهای رزمی در گشودن درّها یا چیرگی بر دشمن می‌شد؛ همان‌طور که انوشیروان با ابتکار ساخت منجیق توانست درّهای محکم رومیان را تخریب و به تسلیم و پرداخت جریمه وادار نماید.

برو ساخت از چارسو منجیق به پای آمد آن باره‌ی جاثلیق

(ج ۸، ۸۶)

استفاده از تله‌های انفجاری در جنگ‌ها نیز می‌توانست تلفات زیادی در سپاه دشمن

به وجود آورد؛ همان گونه که اسکندر در نبرد با فور هندی از این ابزار جنگی بهره برد و به پیروزی رسید.

یکی با رگی ساختند آهنین	سوارش ز آهن ز آهنش زین
به میغ و به مس درزها دوختند	سوار و تن باره بفروختند
به گردون براندند بر پیش شاه	درونش پر از نطف کرده سیاه

(ج ۷، ۳۷)

۲-۱- **استحکامات نظامی:** فرماندهان نظامی برای تقویت بنیه های دفاعی، مقابله با دشمنان و پیروزی در نبردها از استحکامات نظامی بهره می بردند. دژها یکی از استحکامات نظامی برای جلوگیری از تهاجم دشمن و مقابله با حمله های ناگهانی بودند؛ از این رو پادشاهان به ساخت دژها و قلعه ها توجه می کردند؛ مثلاً شاپور برای تقویت بنیه ی دفاعی، دژی در نشاپور ساخت.

کهن دژ به شهر نشاپور کرد که گویند با داد شاپور کرد
(ج ۷، ۱۹۹)

خندق ها یکی دیگر از شگردهای نظامی برای ایجاد امنیت بود که مانع پیشروی دشمن می شد؛ چنان که سپاه ایران برای مقاومت در برابر دشمن، پیرامون کوه هاماوران را حفر کرد؛ همچنین در جنگ کیخسرو با افراسیاب، سپاهیان ارجاسب در اطراف کوهی که لشکر گشتاسب محاصره شده بود، خندق کردند تا سپاه گشتاسب نتواند فرار کند. خوش نواز هم با تدبیر کردن خندق توانست پیروز شاه و بسیاری از جنگجویان او را به هلاکت رساند. سدهای دفاعی از زیرساخت های نظامی دیگر بودند که در مناطق مرزی برای جلوگیری از نفوذ مهاجمان به داخل کشور ساخته می شد؛ همان طور که به دستور انوشیروان با استفاده از متخصصان هندی و رومی دیواری از دریا تا کوه به عنوان مانعی بزرگ برای عبور دشمن ساختند و با نصب درهای آهنی هرگونه تردد به کشور را کنترل می کردند.

یکی باره از آب برکش بلند	برش پهن و بالای او ده کمند
به سنگ و به گچ باید از قعر آب	برآورده تا چشمه آفتاب
هر آنکه که سازیم زمین گونه بند	ز دشمن به ایران نیاید گزند

(ج ۷، ۷۱)

۳-۱- **مرزبانی:** هوشیاری در حراست از مرزها و کسب اطلاعات مربوط به تحرکات دشمن و تهدیدهای احتمالی در اتخاذ تدابیر امنیتی مؤثر است. در شاهنامه، بهرام گور برای ایمن سازی مرزهای کشور دستور داد با گچ و سنگ نشان مرزی ساخته شود تا کسی بدون اجازه‌ی حکومت وارد خاک ایران نشود. خسرو پرویز هم برای ایجاد امنیت مرزی، کشور را به چهار بخش تقسیم کرد و سپاهیان را به حراست از مرزها گماشت.

۲- نیروی انسانی کارآمد

نیروی انسانی بنیادی‌ترین عامل در قدرت نظامی محسوب می‌شود. کمیت و کیفیت نیروی انسانی نظامی یکی از مؤلفه‌های مهم در امنیت نظامی یک کشور است؛ به همین دلیل عضوگیری، آموزش فنون جنگی و آماده سازی روحی در کارآمدی و توانمندی نیروی نظامی تأثیر بسزایی دارد.

۲-۱- **تشکیل سپاه:** شهریاران قدرتمند شاهنامه دریافته بودند که برای حفظ امنیت نظامی و ایجاد قدرت بازدارندگی علیه دشمنان و متجاوزان باید نیروی انسانی نظامی مقتدری داشت؛ بر این اساس از همان حکومت آغازین، کیومرث برای سامان کشور و امنیت مردمی که تازه متمرکز شده بودند با کمک هوشنگ، سپاهی جمع کرد تا با اهریمن مبارزه کند؛ جمشید هم برای محافظت از شاه و کشور با ایجاد طبقه‌ی جنگاوران و ارتقای منزلت آن‌ها توانست عوامل تهدید آفرین را از کشور دور کند؛ هوشیاری کیقباد برای ساماندهی و رهبری نیروهای خود در کوه‌های البرز نیز باعث ایجاد امنیت و آرامش در مرزها و داخل کشور شد.

۲-۲- **تأسیس پادگان‌های نظامی:** حکومت‌های شاهنامه برای تربیت نیروی رزمی ماهر به تأسیس پادگان‌های نظامی، سربازگیری و در صورت لزوم آموزش نظامی همگانی می‌پرداختند؛ به عنوان نمونه کیخسرو برای ساماندهی کشور ضمن تکریم پهلوانان دستور داد به آمارگیری و ثبت اسامی جنگاوران، سربازگیری و انتخاب نیروهای رزمی از بین تمام

نژادها، سازمان دهی لشکریان و تعیین فرمانده برای هر لشکر و سپاه، مشخص کردن زمان یک ماهه و دادن منابع مالی فراوان برای بازسازی و آمادگی سپاه بپردازند و در زمان تعیین شده با سرکشی از سپاهیان و سان دیدن، نیروی نظامی کشور را ارزیابی و تقویت کرد.

از آن نامور خسرو سرکشان چنین بود در پادشاهی نشان
همی بود بر پیل در پهن دشت بدان تاسپه پیش او برگذشت

(ج ۴، ۲۶)

۲-۳- آموزش فنون جنگی: توانمندی نظامی در میدان های نبرد مستلزم داشتن نیروی مسلح کارآزموده و با مهارت است؛ زیرا نیروی رزمی باید به تناسب شرایط محیطی و موقعیت دشمن وارد جنگ شود که این امر نیازمند فراگیری فنون نظامی است. در دوره اردشیر بابکان منشوری از اصول کشورداری تهیه شد که در آن، سپاهی گری و تنظیم رفتار نظامیان یکی از مهم ترین مؤلفه های ایجاد امنیت داخلی بود؛ لذا وی به آموزش سپاهیان و شیوهی برخورد آن ها با خودی ها و بیگانگان پرداخت؛ انوشیروان نیز با انتخاب بابک به عنوان مشاور نظامی، سپردن ساماندهی و بازسازی و تجهیز سپاه به او و بازدیدهای مداوم از لشکریان توانست امنیت نظامی کشور را تقویت نماید.

سواری هزار و گوی دو هزار نبودی کسی را گذر بر چهار
(ج ۸، ۶۴)

۲-۴- آماده سازی روحی: نیروی انسانی برای آمادگی کامل نظامی ضمن برخورداری از تجهیزات پیشرفته و آموزش های رزمی، نیازمند توانمندی روحی است. حاکمان خردمند شاهنامه با آگاهی از نقش روحیه و انگیزه ی نیروهای نظامی در پاسداری از امنیت و استقلال کشور و پیشبرد مقاصد حکومت با گرامیداشت فرماندهان نظامی و اعطای امتیازات مختلف، آن ها را حمایت می کردند؛ فرماندهان نیز با شگردهای گوناگون به تقویت روحیه ی نیروهای خود و تضعیف روحیه ی دشمن می پرداختند؛ به همین منظور پادشاهانی چون: فریدون، منوچهر، کیقباد، کیکاوس، کیخسرو، بهرام گور و انوشیروان با اتخاذ سیاست تکریم فرماندهان و پهلوانان و بخشش های مالی فراوان قبل و بعد از نبردها

انگیزه‌ی نیروهای رزمی را افزایش می‌دادند؛ مثلاً کیخسرو هنگام فراخواندن پهلوانان به کین خواهی سیاوش برای افزایش دلیری آن‌ها پاداش‌های بزرگی داد.

در گنج دینار بگشاد و گفت که گنج از بزرگان نشاید نهفت
 گه بخشش و کینه شهریار شود گنج دینار بر چشم خوار
 (ج ۴، ۱۹)

یکی از شگردهای نظامی برای تقویت روحی و رزمی نظامیان، رژه و سان دیدن است. در فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، رژه به معنای: «عبور صف‌های سربازان از برابر فرمانده» و سان: «به معرض گذاشتن آمادگی یگانی از نظر نیروی انسانی و ادوات و تجهیزات جهت بازدید فرمانده» می‌باشد. (ساکت، ۱۳۸۹: ۱۹۰) نمایش اقتدار نظامی از سویی باعث تقویت روحی و رزمی نیروهای خودی می‌شود و از دیگر سو با ایجاد هراس در دل دشمن فکر تجاوز به مرزهای کشور یا مقاومت در برابر نیروهای مقتدر را از ذهن آن‌ها بیرون می‌کند.

پادشاهان باتدبیر و فرماندهان مقتدر شاهنامه ضمن سرکشی به لشکر، توان نظامی سپاهیان خود را به نمایش می‌گذاشتند؛ همان‌طور که گودرز هنگام نبرد با تورانیان از سپاهیان بازدید کرد؛ همای نیز برای حمله به رومیان دستور داد تا سپاهیان قدرت نظامی خود را به نمایش بگذارند.

بیامد ز کاخ همایون همای خود و مرزبانان پاکیزه‌رأی
 بدان تا سپه پیش او بگذرند تن و نام و دیوان‌ها بشمرند
 (ج ۶، ۳۶۲)

۳- اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی

شناخت نقاط ضعف و قوت دشمن، آگاهی از شرایط نیروهای جنگی رقیب و... برای مصونیت از آسیب دشمن و حفظ امنیت نظامی کشور ضروری است؛ لذا حاکمان برای اشراف اطلاعاتی به معنای: «احاطه کامل بر اخبار و اطلاعات پیرامونی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روشن، شفاف، کاربردی و پایدار» (کرم‌زاده دیزجی، ۱۳۹۴: ۲۲۹) از شیوه‌هایی

چون: اعزام جاسوس به اردوگاه‌های دشمن، خبریابی از نیروهای محلی و تشکیل گروه‌های ضد اطلاعات استفاده می‌کردند.

۱-۳- کارآگاهان: پادشاهان و فرماندهان هوشیار شاهنامه با آگاهی از اصول و شگردهای امنیتی برای کسب اطلاعات دقیق و به موقع و خنثی سازی فعالیت‌های جاسوسی دشمن از کارآگاهان بهره می‌بردند؛ به عنوان نمونه منوچهر با کمک کارآگاهان خود از شبیخون سلم و تور آگاه شد.

چو کارآگاهان آگهی یافتند دوان زی منوچهر بشتافتند
رسیدند پیش منوچهرشاه بگفتند تا برنشانند سپاه

(ج ۱، ۱۲۳)

فرمانروا برای اداره کشور باید از یک سواز همه اموری که در مملکتش می‌گذرد، آگاه باشد تا بتواند برای رفع مشکلات و دفع ظلم متجاوزان اقدام نماید؛ همان‌طور که بهرام گور در زمان پادشاهی خود به کارآگاهان دستور داد تا کسانی که مورد ظلم واقع شده‌اند، پیدا کنند.

وز آن پس بفرمود کارآگاهان یکی تا بگردند گرد جهان
کسی را کجا رانده بد یزدگرد بجست و به یک شهرشان کردگرد

(ج ۷، ۳۰۹)

از سوی دیگر پادشاه باید با فرستادن کارآگاهان از اوضاع کشورهای دیگر با خبر شود؛ همچون کیخسرو که در جنگ با افراسیاب برای آگاهی از نیروهای دشمن، کارآگاهان را فرستاد؛ انوشیروان هم برای اشراف اطلاعاتی و حفظ امنیت نظامی به اعزام کارآگاهان در سراسر جهان روی آورد.

پراکنده کارآگاهان در جهان که تانیک و بد زو نماند نهان

(ج ۸، ۵۸)

۲-۳- شگردهای امنیتی: حاکمان و فرماندهان شاهنامه با استفاده از روش‌های امنیتی گوناگون به گردآوری و تحلیل اطلاعات برای پیشبرد اهدافشان می‌پرداختند که نمونه‌ای از آن‌ها عبارت‌اند از:

۳-۲-۱- حفظ اسرار و پنهان کاری: حفظ اطلاعات از اصلی ترین اقدامات اطلاعاتی و حفاظتی محسوب می شود و نقش مؤثر آن در داستان های مختلفی از شاهنامه چون: رفتن فریدون به سوی ضحاک، تسخیر دژ الانان، فرار بهرام از هندوستان، رفتن اسکندر پیش قیدافه، رفتن رستم به جنگ ختن، جنگ بهرام گور با ترکان و تورانیان و ... نمایان است. پنهان کاری اطلاعاتی و امنیتی به نیروی انسانی ماهر نیاز دارد؛ همان طور که گیو برای یافتن و بازگرداندن کیخسرو و فرنگیس هفت سال به تنهایی بالباس هندی و زبان ترکی در توران می گشت و برای مخفی کردن هدف و هویتش به راه های خشن امنیتی متوسل می شد.

چو گفتمی ندارم ز شاه آگهی تنش را ز جان زود کردی تهی (ج ۳، ۲۰۴)

۳-۲-۲- اسم مستعار: اسم ها حقایقی درباره ی افکار و فرهنگ صاحب اسم بازگو می کنند؛ لذا فرماندهان زیرک شاهنامه به تناسب مأموریت خود از نام مستعار برای پنهان کردن حقیقت بهره می بردند؛ مثلاً رستم در هفت خوان برای مقابله با اولاد، خود را با نام «ابر» معرفی کرد.

چنین گفت رستم که نام من ابر اگر ابر باشد به زور هزبر (ج ۲، ۱۰۲)

اسفندیار نیز برای تسخیر دژ الانان و نجات خواهرانش با نام مستعار «خرّاد» با ارجاسپ گفت وگو کرد.

چه نامی بدو گفت خرد نام اگر ابر باشد به زور هزبر (ج ۶، ۱۹۵)

در داستان های دیگر نیز فرماندهان نظامی برای حفظ اسرار از نام جایگزین استفاده کرده اند؛ مثلاً اسکندر در نزد قیدافه از نام بیقظون، بهرام نزد شنگل از اسم گُشسپ سوار و بهرام گور نزد جواهر فروش از نام برزویه برای پوشاندن هدف خود بهره برده اند.

۳-۲-۳- داستان پوششی: در اقدامات امنیتی شاهنامه، شگرد داستان پوششی برای نفوذ و تأمین اطلاعات کاربرد فراوانی داشته است. فرماندهان برای رسیدن به هدف در

پوشش بازرگان، سفیر یا خبررسان با زبان و رفتار یک قوم دیگر ظاهر می شدند؛ همان طور که رستم برای حضور در توران و نجات بیژن با پوشش بازرگان به کار اطلاعاتی پرداخت.

چنین گفت رستم به شاه جهان که این کار ببسیچم اندر نهان...
به کردار بازرگانان شدن شکوبا فراوان به توران بدن
(ج ۵، ۵۹-۶۰)

اسفندیار نیز برای رهایی خواهرانش و کشتن ارجاسب با پوشش بازرگان به دژ راه یافت. چو بازرگانی بدین دژ شوم نگویم که شیر جهان پهلوم
(ج ۶، ۱۹۲)

عملیات فریب بانوگشسب با پوشیدن لباس رزم و استفاده از زبان و اسب ترکان برای آگاه کردن گشتاسب از لشکرکشی ارجاسب به ایران، عملیات فریب جاماسب با پوشیدن لباس غیررزمی و کاربرد گویش ترکان، اجرای طرح فریب از سوی خسرو پرویز وقتی سپاه بهرام چوبینه در تعقیبش بود و عملیات نفوذ خژاد برزین به اردوگاه بهرام چوبین با هدف ترور او نمونه های دیگری از کاربرد این شگرد امنیتی در شاهنامه است.

۳-۲-۴- تخلیه ی اطلاعاتی: فرماندهان باکیاست شاهنامه با آگاهی از اصول کار امنیتی با اعمال رفتارهایی در مقابل هرکسی که اطلاعاتی دارد، بدون ایجاد حساسیت در طرف مقابل، اطلاعات او را در ارتباط با خودش یا موضوع مورد نظرش به دست می آوردند. در تمام عملیات های اطلاعاتی و امنیتی موفق شاهنامه، رد پای تخلیه ی اطلاعاتی صحیح به چشم می خورد؛ مثل شگرد رستم در تخلیه ی اطلاعاتی اولاد برای رسیدن به محل دیو سپید و تخلیه ی اطلاعاتی منیژه برای نجات بیژن.

یکایک سخن کرد ازو خواستار که با تو چرا شد دژم روزگار
(ج ۵، ۶۵)

رفتار اسفندیار با دو نفر از ترکان قبل از تسخیر رویین دژ نمونه دیگری از زیرپاکشی و کسب اطلاعات است.

بپرسید و گفت این دژ نامدار چه جایست و چندست بروی سوار
 ز ارجاسپ چندی سخن راندند همه دفتر دژ برو خواندند

(ج ۶، ۱۹۱-۱۹۲)

در داستان متواری شدن خسرو پرویز هم بهرام چوبین بعد از اسیرکردن بندوی، او را مجبور کرد تا آنچه را گذشته بود، اعتراف نماید.

کنون آنچه ما را به دل راز بود بگفتیم چون بخت ناساز بود

(ج ۹، ۵۳)

۳-۲-۵- جاسوسی و سرقت اطلاعات: حاکمان شاهنامه با آگاهی از نقش مهم اشراف اطلاعاتی در مقابله با تهدیدها و برقراری امنیت ملی به انتخاب کارآگاهان از بین افراد کارآزموده و وفادار به شاه و کشور می پرداختند؛ زیرا «تلاش و مراقبت دائمی منهیان و جاسوسان در رسانیدن اطلاعات نظامی و سیاسی و مالی نقش و تأثیر بسزایی در تثبیت و تحکیم قدرت مرکزی داشت» (راوندی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۶۶۷). در جنگ ها نیز کسب اطلاعات یکی از عوامل تعیین کننده ی پیروز میدان محسوب می شد؛ به عنوان نمونه منوچهر با استفاده از جاسوسان ماهر و آگاهی به موقع از طرح شبیخون سلم و تور توانست نقشه آن ها را خنثی و تور را نابود کند؛ هشیاری رستم در گماردن دیده بان ها و جاسوسان برای اطلاع رسانی به موقع از حضور دشمن نیز مانع موفقیت افراسیاب در عملیات شبیخون و غافل گیری سپاه ایران شد.

بباید طلایه به ره بر یکی که چون آگهی یابد او اندکی
 بیاید دهد آگهی از سپاه نباید که گیرد بداندیش راه

(ج ۲، ۱۵۸-۱۵۹)

جاسوسان علاوه بر وظیفه جمع آوری و انتقال اطلاعات آشکار و پنهان در حوزه دخالت و کارشکنی در امور دیگران نیز فعالیت می کردند؛ همان طور که در عهد خسرو پرویز، خزاد برزین به قصد ترور بهرام چوبین ضمن ورود به چین، توانست با نزدیک شدن به خاتون چین و داشتن طرح نفوذ، مهر خاقان را دریافت نماید. وی همچنین با شناسایی قلون به عنوان

مخالف بهرام چوبین، او را برای اجرای عملیات ترور، تحریک و ترغیب کرد تا با مرگ بهرام چوبین، تهدیدی که امنیت نظامی و سیاسی کشور را به خطر انداخته بود از بین برود.

۳-۲-۶- شایعه پراکنی: این شگردهای امنیتی و اطلاعاتی با هدف کاهش اعتماد و ایجاد ناامنی به کار می‌رود. حاکمان خردمند شاهنامه برای تحقق اهداف حاکمیتی خود ضمن ایجاد اخبار بی‌پایه و اساس و گمراهی رقیبان با شایعاتی که باعث آشوب در جامعه می‌شد، مقابله می‌کردند؛ همان‌طور که شایعه‌ی بیماری و مرگ انوشیروان هنگام بازگشت از روم، منجر به شورش از سوی نوش‌زاد شد که با درایت انوشیروان پایان یافت. شایعه می‌تواند زمینه‌های براندازی را فراهم کند؛ به عنوان نمونه بهرام چوبین با تبلیغات روانی و نشر اطلاعات ناموثق، طرح توطئه علیه هرمزد را اجرایی کرد. وی با شایعه‌سازی مبنی بر ادعای پادشاهی خسرو پرویز و ضرب و رواج سکه به نام او، موقعیت شاهزاده را به خطر انداخت و هرمزد بدون راستی‌آزمایی و کسب اطلاعات از منابع موثق، دستور قتل پسرش را صادر کرد.

بیچید و شد بر پسر بدگمان
که خسرو به مردی به جایی رسید
بگفت این به آیین گشسب آن زمان
که از ماهی سر بخواد کشید

(ج ۸، ۴۲۰-۴۲۱)

۴- تخصیص بودجه‌ی نظامی مناسب

حفظ و ارتقای قدرت نظامی یکی از مؤلفه‌های اساسی تشکیل و تداوم حکومت‌ها محسوب می‌شود که این امر مستلزم تأمین منابع و بودجه مناسب است؛ لذا حاکمان خردمند شاهنامه با آگاهی از تأثیر بسزای قدرت نظامی در پیشبرد مقاصد حاکمیت، نقش بازدارندگی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی و تعیین سرنوشت جنگ‌ها، بودجه‌های نظامی را تأمین می‌کردند؛ همان‌گونه که سیاست‌های حمایتی از نیروهای رزمی در دوره پادشاهانی چون: جمشید، کیخسرو، بهرام گور و انوشیروان باعث افزایش قدرت و امنیت نظامی کشور شده بود.

۴-۱- تأمین مالی نظامیان: باتوجه به نقش پررنگ نظامیان در ساختار حکومت‌های شاهنامه، تأمین مالی سپاهیان یکی از اولویت‌های اصلی حاکمان بوده است. معمولاً حاکمان باتدبیر ضمن اختصاص بیشترین سهم در دریافت مستمری‌ها به نظامیان،

حقوق آن‌ها را قبل از هر جنگ، پرداخت می‌کردند؛ مثلاً نوشین روان پیش از نبرد با روم، حقوق سپاه را پرداخت.

چونزدیک شد رزم را ساز کرد سپه را درم دادن آغاز کرد (ج ۸، ۸۳)

بهرام گور با پرداخت پیشاپیش حقوق سالانه سپاهیان باعث تقویت روحیه و دلیری نظامیان در جنگ‌ها و پیشگیری از تجاوز آن‌ها به اموال مردم شده بود. انوشیروان هم نیاز مالی لشکریان را زمینه ساز دست‌درازی و تحمیل فشار بر قشر پایین جامعه می‌دانست.

نگردد سپاه انجمن جز به گنج به بی‌مردی آید هم از گنج رنج
 اگر بد به درویش خواهد رسید از این آرزو دل ببايد برید (ج ۸، ۶۵)

سپاهیان علاوه بر حقوق مقرر از غنائم جنگی نیز بهره می‌شدند. پس از نبردهای پیروزمندانه، غنائم جنگی و پاداش‌های فراوانی به پهلوانان و لشکریان اعطا می‌شد؛ برای نمونه کیکاوس پس از بازگشت از مازندران به سپاهیان پاداش‌های فراوانی داد.

ز هرجای روزی دهان را بخواند به دیوان دینار دادن نشاند (ج ۲، ۱۲۴)

۴-۲- تجهیز صنایع دفاعی و زیرساخت‌های نظامی: تسلیحات پیشرفته و تأسیسات نظامی مستحکم از دیگر عوامل مهم در حفظ امنیت نظامی کشورها محسوب می‌شود؛ از این روشهریاران خردمند شاهنامه برای حفظ استقلال و یکپارچگی کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، بودجه‌های هنگفتی را به این امر اختصاص می‌دادند؛ همان‌گونه که جمشید برای تقویت بنیه‌ی دفاعی به ساخت جنگ‌افزارها و ابتکار در تجهیزات نظامی روی آورد؛ کیخسرو با فراهم کردن امکانات نظامی بر قدرت سپاهیان خود افزود؛ شاپور با ساخت دژ، بهرام گور با ایجاد نشان مرزی و انوشیروان با بنای سدی در الانان به ایمن‌سازی مرزها و تقویت تأسیسات دفاعی روی آوردند؛ خسرو پرویز هم با تأمین بودجه‌ی کافی برای سازماندهی نیروهای مرزبان توانست امنیت نظامی را افزایش دهد.

ز لشکر ده و دو هزار دگر دلاور سواران پرخاشخر
بخواند و بسی هدیه هادادشان به راه الانان فرستادشان

(ج ۹، ۱۹۵)

۵- سیاست های صلح محور

از دیرباز با وجود تلاش حکومت ها برای حفظ منافع ملی، یکپارچگی و امنیت سرزمین به دلیل رقابت ها یا تداخل منافع، همواره درگیری های گوناگونی به وجود می آید که امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و ... را تهدید می کند. در این مرحله نقش سیاست های حاکمیت بسیار پررنگ است. چنانچه طرف های درگیر مناقشه، اختلافات خود را از راه های خشونت پرهیز، پیمان، موافقت نامه و ... حل کنند، جنبه امنیتی و تهدید آمیز اختلافات سیاسی کم رنگ می شود؛ ولی اگر بازیگران حوزه سیاست برای کسب خواسته خود از زور و ابزار تهدید استفاده کنند یا حقوق دیگری را نادیده بگیرند، شرایط بروز جنگ واقعی فراهم می شود.

بخش عظیمی از شاهنامه، جنگ ها و نبردهای ایرانیان با تورانیان، تازیان و بیگانگی را روایت می کند که همواره چشم طمع به سرزمین ایران داشته اند؛ بر این اساس عده ای گمان می کنند که شاهنامه همواره بر طبل هراسناک جنگ می کوبد و به ترویج خشونت می پردازد؛ حال آنکه «جنگ های شاهنامه برای زدودن بدی از صحنه گیتی است؛ ولی چون بدی زدوده نمی شود، نفس کوشش در نبرد با آن، جزء هدف زندگی قرار می گیرد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۳۱) در بررسی کارزارهای شاهنامه نیز آشکار است که ایرانیان در اغلب موارد آغازگر جنگ نبوده اند؛ بلکه برای دفاع و رفع تجاوز دشمنان از خاک ایران زمین به نبرد روی آورده اند. از این منظر جنگ به عنوان آخرین راهکار گریزناپذیر برای حفاظت از حریم ایران و ایرانیان دانسته می شد.

فردوسی، شاعر بشردوست ایرانی با بصیرت نهفته در گفتارش مسائل دقیقی را در زمینه صلح و آشتی راستین در بین همه انسان ها مطرح می نماید تا مردم را از جنگ و ستیز بازدارد؛ (ر.ک: رنجبر، ۱۳۶۳: ۱۲۰) همان طور که پس از پیروزی بر ضحاک ستمگر از زبان فریدون، مردم و لشکریان را به صلح رهنمون می کند.

همه مهر جویید و افسون کنید ز تن آلت جنگ بیرون کنید

(ج ۱، ۱۳۰)

در شاهنامه، سیاست‌های حاکمان و بازیگران عرصه سیاست نقش مهمی در امور دفاعی و نظامی ایفا می‌کند. در واقع نوع نگرش و ایدئولوژی آن‌ها برای حفظ منافع، امنیت و استقلال کشور در تعاملات سیاسی و امنیتی داخل و خارج کشور تأثیرگذار بوده است. در این بین پادشاهان آرمانی شاهنامه با نگرش عمیق‌تر به امنیت، ضمن حفظ اقتدار نظامی با اتخاذ سیاست‌های آشتی‌جویانه و جنگ‌پرهیز از خسارت‌های جانی و مالی نبردها پیشگیری می‌کردند و با هدف توسعه امنیت ملی، رفع تهدیدهای امنیتی و کاهش هزینه‌های تحمیلی جنگ، پیشنهاد صلح را می‌پذیرفتند؛ همان‌طور که منوچهر با پذیرش پیشنهاد زال مبنی بر پرهیز از جنگ با مهراب از کابل به عنوان دشمن ایران، کشوری متحد و هم‌پیمان ساخت؛ در دوره زوطهماسپ نیز که هم‌زمانی جنگ با افراسیاب و بروز خشکسالی توان نظامی را ضعیف کرده بود، پادشاه برای رهایی مردم از رنج جنگ و نجات انسان‌ها به آتش‌بس و تهیه عهدنامه‌ای مبنی بر تعهد افراسیاب برای عدم ورود به خاک ایران رضایت داد.

سرنامداران تهی شد ز جنگ ز تنگی نبند روزگار درنگ
بر آن بر نهادند هر دو سخن که در دل ندارند کین کهن
بیخشند گیتی به رسم و به داد ز کار گذشته نیارند یاد

(ج ۲، ۴۵)

در عهد کيقباد نادیده گرفتن صلح و قرارداد مرزی از سوی پشنگ منجر به نبرد ایران و توران شد که رشادت‌های رستم، پشنگ را وادار به درخواست صلح کرد. کيقباد هم برای برقراری امنیت با وجود مخالفت پهلوانان، پیشنهاد صلح تورانیان را پذیرفت.

چنین گفت با نامور کيقباد که چیزی ندیدم نکوتر ز داد
نبیره فریدون فرخ پشنگ به سیری همی سربپیچد ز جنگ
سزدگر هر آنکس که دارد خرد به کژی و ناراستی ننگرد

(ج ۲، ۷۲)

مصلحت‌اندیشی لهراسب مبنی بر اولویت داشتن امنیت و آینده کشور بر خواسته پادشاه

نیز باعث سپردن تاج و تخت به فرد با کفایتی چون گشتاسب بدون تنش و درگیری شد؛ بهرام گور هم هوشمندانه پس از پیروزی بر خاقان چین از همان محل جنگ به تمام حاکمان نامه نوشت و ضمن تأکید بر قدرت ایران، کشورهای دیگر را به صلح و پرداخت خراج دعوت کرد.

به نرسی یکی نامه فرمود شاه	ز پیکار ترکان و کار سپاه...
همه گردن سرکشان گشت نرم	زبان چرب و دل ها پیر از خون گرم
پذیرفت باز آنک بدخواه بود	به راه آمدند آنک بیراه بود

(ج، ۱، ۳۹۴)

نتیجه‌گیری

امنیت نظامی پیشینه طولانی در مطالعات امنیتی کشورها داشته است. پس از پایان جنگ سرد، علی‌رغم گسترش مفهوم امنیت و ایجاد ملاحظات جدید در تضمین امنیت کشورها، موضوع امنیت نظامی اهمیت و اولویت خود را در حکومت‌ها حفظ کرده است؛ زیرا نظامی‌گری معیار نهایی سنجش میزان امنیت ملی و تهدید نظامی هم اصلی‌ترین تهدید برای اجزای دولت و دستاوردهای آن محسوب می‌گردد. پس از تشکیل جوامع انسانی و یکجانشینی بشر بدوی، حفظ و تداوم امنیت یکی از ضروریات جامعه محسوب می‌شد؛ در گذشته با توجه به تجارب زیاد بشر در زمینه تهدید امنیت از طریق تهاجم نظامی و دفاع توسط نیروهای رزمی، بعد نظامی امنیت برجسته بود و به طور طبیعی امنیت در حوزه نظامی تعریف می‌شد و حفظ امنیت ملی، وابسته به امنیت نظامی کشور بود. بدیهی است که ادبیات بیانگر اوضاع و احوال هر ملت در دوره‌های مختلف است و شاهنامه فردوسی به عنوان برجسته‌ترین اثر حماسی ایران، منبع غنی از تاریخ، فرهنگ و هویت ملی ایرانیان می‌باشد. واکاوی ابیات شاهنامه فردوسی نمایانگر آن است که در تمام ادوار به علت نقش محوری جنگ در ایجاد ناامنی و تهدید علیه امنیت ملی، فرمانروایان ایجاد امنیت نظامی را شاخصه اصلی حفظ امنیت ملی محسوب می‌کردند. در نگرش آن‌ها چنانچه کشور از توان نظامی بهتری برخوردار می‌بود، دشمنان داخلی و خارجی کمتر به نفوذ، ایجاد ناامنی و جنگ در کشور مدنظر روی می‌آوردند.

در این پژوهش با تحلیل مضمون ابیات شاهنامه درمی یابیم که پادشاهان آرمانی شاهنامه با بهره‌گیری از پنج عامل شامل: بنیه دفاعی مستحکم، نیروی انسانی کارآمد، اشراف اطلاعاتی و شگردهای امنیتی، تخصیص بودجه نظامی مناسب و سیاست‌های صلح‌محور در صدد تأمین و تقویت امنیت نظامی بودند؛ بدین ترتیب شاهان خردمند شاهنامه برای تقویت بنیه دفاعی به تجهیز قوای نظامی از طریق تولید و گسترش صنایع دفاعی، تحکیم زیرساخت‌های نظامی همچون: دژها، خندق‌ها، سدهای دفاعی و مرزبانی می‌پرداختند. آن‌ها با علم بر اینکه کمیت و کیفیت نیروی انسانی نظامی یکی از مؤلفه‌های مهم در امنیت نظامی یک کشور است، به عضوگیری و تشکیل سپاه، آموزش فنون جنگی و آماده‌سازی روحی برای کارآمدی و توانمندی نیروی نظامی روی می‌آوردند. اشراف اطلاعاتی داخلی و خارجی نیز نقش مهمی در قدرت و امنیت نظامی کشور ایفا می‌کرد؛ به همین دلیل فرمانروایان خردمند با استفاده از کارآگاهان به اخبار دقیق و موثق دست می‌یافتند و از شگردهای اطلاعاتی و امنیتی گوناگون برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌بردند. با توجه به نقش پررنگ قدرت نظامی در ساختار حکومت‌های شاهنامه، حاکمان می‌کوشیدند تا بودجه مناسبی را به نظامیان، صنایع دفاعی و زیرساخت‌های نظامی اختصاص دهند. سیاست‌های حاکمان و بازیگران عرصه سیاست نیز نقش مهمی در ایجاد و تداوم امنیت نظامی ایفا می‌کرد؛ لذا اتخاذ سیاست‌های جنگ‌پرهیز و آشتی‌جویانه از سوی شاهان دادگر و پهلوانان خردمند شاهنامه با هدف توسعه امنیت نظامی و رفع تهدیدهای امنیتی صورت می‌گرفت که پیامد آن افزایش امنیت ملی و رفاه عمومی بود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود با ژرف‌نگری در آثار کهن ایرانی مانند شاهنامه فردوسی به بنیان‌های فکری عمیق ایرانیان باستان در شیوه تحقق و تداوم امنیت نظامی پی برد و از تفکرات و روش‌های آنان برای ایجاد امنیت پایدار در جهان امروز الگو گرفت؛ زیرا مطالعات امنیت و نظریه پردازی در این مقوله به شدت با زمینه‌های ارزشی و بومی کشورها و جوامع مختلف آمیخته است و رویکردها و راهبردهای امنیتی تنها در سطح یافته‌های سخت‌افزاری، قابل بهره‌برداری از ملل مختلف می‌باشد؛ از این رو با انجام مطالعات امنیتی در آثار برجسته ایرانی می‌توان به بازشناسی و نوسازی

نظریات در بعد نظامی امنیت متناسب با شرایط و اقتضائات ارزشی جامعه خودپر داخت
و راهکارهای جدیدی برای تقویت امنیت نظامی ارائه کرد.

منابع

- استراوس، انسلم، کرین، جولیت (۱۳۹۱)، **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۱)، **ایران و جهان از نگاه شاهنامه**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۵)، **مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و همکاران (۱۳۸۳)، **مطالعات امنیتی نوین**، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱)، **لغت‌نامه: فرهنگ متوسط دهخدا**، زیر نظر دکتر سید جعفر شهیدی، جلد اول، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۶)، **تاریخ اجتماعی ایران**، جلد ۴: بخش اول، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
- رنجبر، احمد (۱۳۶۳)، **جاذبه‌های فکری فردوسی**، تهران، چاپخانه سپهر.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، **امنیت ملی و نظام بین‌المللی**، جلد اول، تهران، نشر آجا.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، **نامورنامه: درباره فردوسی و شاهنامه**، تهران، نشر سخن.
- ساکت، سلمان (۱۳۸۹)، **فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات نظامی در متون فارسی (از آغاز تا پایان دوره صفویه)**، به کوشش: دفتر واژه‌گزینی ستاد کل نیروهای مسلح، تهران، روناس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۳)، **شاهنامه‌ی فردوسی**، متن انتقادی تحت نظر ی.ا. برتلس، جلد ۱ تا ۹، مسکو، انستیتوی ملل آسیا.
- کرم‌زاده دیزجی، محمدصادق (۱۳۹۴)، **امنیت در شاهنامه**، تهران، فقه الصادق.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، **چهره متغیر امنیت ملی**، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرادیان، محسن (۱۴۰۱)، **مبانی نظری امنیت**، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مک‌کین‌لای، رابرت دی و لیتل، ریچارد (۱۳۸۰)، **امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها**، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.